

## تبیین تجلیات حیا در فضای شهری\*

مهندس جابر دانش\*\*، دکتر محمدرضا پورجعفر\*\*\*، دکتر محمد نقی زاده\*\*\*\*

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۷/۰۹/۱۶ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۸/۰۹/۰۴

## مکیده

یکی از مبادی مؤثر در تحلیل فضای شهری، توجه به انگاره‌های فرهنگی و هنجارهای اخلاقی جامعه است که به طور مشخص در شاکله فرهنگ ایرانی، صبغه دینی به خود گرفته است. این پژوهش، با تکیه بر منابع مکتوب و با طرح رویکرد اخلاق محور در تحلیل فضاهای شهری و با تمرکز بر مفهوم حیا در آراء دینی، به تبیین ویژگی‌های آن در کالبد شهر و شیوه‌های تجلی و تجسم صفت مذکور می‌پردازد. روش تحقیق در تحلیل و احصاء ویژگی‌های حیا در آموزه‌های دینی، اکتشافی و تحلیلی است که در رویکردی استقرایی و تحلیلی، نحوه بروز و تجلی حیا در فضاهای شهری، مبتنی بر شاخص‌های ماخوذ از روایات، شیوه‌ها و جلوه‌های آن تبیین شده است. تحلیل محتوای روایات در تطبیق و تحلیل محیطی آن، ناظر بر اصول پنج‌گانه کرامت، حرمت، معنویت، نظارت و عقلانیت است که ظهور و عینیت آن در فضای شهری مستلزم توجه به وجوه مختلف رفتاری و فضایی است.

## واژه‌های کلیدی

حیا، اخلاق، تجلی، فضای شهری، رفتار اجتماعی.

\* این مقاله برگرفته از رساله دکتری جابر دانش با عنوان «تبیین تجلیات حیا در محله ایرانی» است که به راهنمایی دکتر محمدرضا پورجعفر و مشاوره دکتر محمد نقی‌زاده در دانشکده هنر و معماری دانشگاه تربیت مدرس در حال تدوین است.

Email: jaber.danesh@modares.ac.ir

Email: pourja\_m@modares.ac.ir

Email: drmnaghizadeh@srbiau.ac.ir

\*\* دانشجوی دکترای شهرسازی، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس.

\*\*\* استاد، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس (مسئول مکاتبات).

\*\*\*\* استادیار، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران.

## مقدمه

معطوف به صفت حیاست که درباره مفهوم و ویژگی‌های آن در آموزه‌های اسلامی به تفصیل مطالبی بیان می‌شود. حیاء یکی از مهم‌ترین صفات نفسانی است که تأثیر فراوانی بر حوزه‌های مختلف زندگی اخلاقی افراد دارد. به تعبیر راغب، حیاء عبارت است از گرفتگی نفس از زشتی‌ها و ترک آن به این جهت (راغب اصفهانی، ۱۳۷۰، ۲۷۰). این صفت از جمله کنترل‌کننده‌های درونی است که می‌تواند در برابر خواسته‌های نامعقول فرد مقاومت کند. از دیدگاه اسلام، حیاء در نظام تربیتی انسان از جایگاه والایی برخوردار است. در بحث انسان‌شناسی، اخلاق در درجه نخست اهمیت قرار دارد که در بردارنده عناصر بسیاری است. در میان این مجموعه عناصر، برخی از عوامل، امتیاز و برتری ویژه‌ای نسبت به دیگر عوامل دارند که اصطلاحاً «مکارم اخلاق» نامیده می‌شوند. در مجموعه مکارم و شایستگی‌های اخلاقی، عنصر یا عامل حیاء در رأس همه قرار دارد (کلینی، ۱۳۷۵، ۱۷۷). رسول گرامی اسلام (ص)، خُلق و خوی اسلام را حیاء معرفی کرده (پاینده، ۱۳۸۲، ۳۳۳) و فرموده‌اند: «حیاء، تمام دین است» (پاینده، ۱۳۸۲، ۴۵۳). این موارد و موارد متعدّد دیگری از این دست، نشان دهنده جایگاه ممتاز این صفت در ساختار روانی انسان و حکایت‌گر اهمیت فوق‌العاده آن در موفقیت انسان و ماهیت ویژه آنست که ابعاد تحلیلی آن در فضای شهری مورد اشاره قرار می‌گیرد.

## روش پژوهش

این پژوهش، تحقیقی بنیادین و از نوع مطالعات کیفی است که با تکیه بر منابع مکتوب و با طرح رویکرد اخلاق‌محور در تحلیل فضاهای شهری، به مبادی و زمینه‌های اخلاقی آن اشاره می‌کند و با تمرکز بر مفهوم «حیاء» در آراء دینی، به تبیین ویژگی‌های آن در کالبد شهر و شیوه‌های تجلی و تجسم صفت مذکور می‌پردازد. روش تحقیق در تحلیل و احصاء ویژگی‌های حیاء در آموزه‌های دینی، اکتشافی و تحلیلی است که با ارجاع و استناد به روایات ائمه معصومین (ع) خصوصاً نمونه‌های مشهور، متواتر و پرتکرار در جوامع حدیثی، محتوای آن مورد تحلیل قرار گرفته است.

لازم به توضیح است که در کتاب‌های جامع یا جوامع حدیث، ترتیب تدوین احادیث بر اساس موضوعات است نه همچون مُسندها و مُعجم‌ها بر اساس راویان (صباغ، ۱۳۷۶، ۲۸۵-۲۸۴). به عبارت دیگر، جامع حدیثی، به آن دسته از کتاب‌های روایی می‌گویند که همه موضوعات و ابواب حدیثی در آنها گرد آمده است. بدین ترتیب، در بیان ویژگی‌های حیاء در تعالیم اسلامی و با تحلیل مهم‌ترین اشارات حدیثی در مورد حیاء که فحوای آن ناظر بر دیگر روایات متناظر است، اصول شاخص پنج‌گانه‌ای احصاء می‌شود. در مباحث بعدی، یعنی در تحلیل نحوه

مسیر تحلیل و تبیین شهرسازی از منظر اصول و مبانی اسلامی، ناظر بر اصول و صفاتی است که به واسطه شیوه‌ها و مفاهیم متعالی و به مدد ابزارها و قواعد، ساختار کالبدی ویژه‌ای به خود می‌گیرد؛ به طوری که نهایتاً جلوه کامل شهر رخ می‌نماید که در آن فرد در تمام لحظات، متوجه ابعاد متعالی و معنوی حیات است. در این رویکرد، مفاهیمی همچون اصالت، وحدت، تناسب، هویت، تواضع، حیاء و غیره، از جمله اصول متظاهر در شهر است که در این تحقیق و در بیان تظاهر اصول و معانی دینی در کالبد شهری و فضای عینی، از واژه «تجلی» استفاده شده است. به بیان دیگر، در تحلیل اهداف شهرسازی اسلامی، با الهام از جهان‌بینی اسلامی و فرهنگ ایرانی، مواردی را می‌توان برشمرد که در عین استنباط از آن جهان‌بینی و فرهنگ، در نضج اصول معنوی اسلام و هدایت انسان به سمت اهداف عالی حیات تأثیرگذار است. یکی از این اهداف، مفهوم تجلی است که در مباحث عرفانی و توحیدی یکی از مهم‌ترین مفاهیم مرتبط با آنهاست.

در مبانی دینی، سابقه اصطلاح تجلی، به کاربرد آن در قرآن کریم (اعراف/۱۴۳) و برخی احادیث<sup>۱</sup> بازمی‌گردد. تجلی در لغت به معنی جلوه کردن، آشکارا شدن و ظهور است (طریحی، ۱۳۷۵، ۸۹؛ زوزنی، ۱۳۴۰، ۵۷۰). در عرفان اسلامی تجلی به دو معنای سلوکی و وجودشناختی آمده است. در معنای اول تجلی عبارت است از آشکار شدن ذات و صفات و افعال حق تعالی بر ضمیر سالک، اما در معنای دوم، عالم هستی تجلی حق تعالی است بر خویش.<sup>۲</sup> با توجه به ابعاد عرفانی و گزینش عامدانه واژه تجلی در این مقاله، مُراد اولیه و اصلی، همان کالبد متظاهر یا فضای عینی است و در نگاهی عمیق‌تر مرتبط با مبادی دینی و معنوی است که به عنوان جلوه‌های حق، در فضای پیرامونی نمود و ظهور یافته است. باید توجه داشت که موضوع اخلاق و مباحث مرتبط با آن، همواره یکی از موضوعات چالش برانگیز در حوزه‌ها و رشته‌های مختلف بوده است. نقد و تحلیل وضعیت اخلاقی هر جامعه، یکی از ضرورت‌های مهم و اساسی به شمار می‌رود؛ چراکه زدودن اخلاق از مناسبت‌های اجتماعی، جامعه را به سمت بی‌هنجاری و نهایتاً فروپاشی و اضمحلال سوق می‌دهد. بدیهی است که چنانچه اخلاق در هر جامعه‌ای با بحران مواجه شود، زندگی روزمره و آسایش و امنیت مردم با چالش‌های بسیاری مواجه می‌شود. در جامعه ایران نیز وضعیت اخلاق، همواره یکی از مهم‌ترین دغدغه‌ها بوده است که در دهه‌های اخیر مورد توجه مضاعفی قرار گرفته و در ابعاد کاربردی آن، با عنایت به لزوم تحلیل و الگوسازی، مباحث بیشتر و عمیق‌تری صورت پذیرفته است.

در این پژوهش، تحلیل اخلاقی و ابعاد تجسد آن در فضای شهری،

سه‌گانه‌ای مورد توجه است که عبارتند از انسان، رفتار و کالبد. در تبیین این سه رکن اصلی، به ترتیب سه فضای فکری، عملی (رفتاری) و عینی (کالبدی) قابل طرح است که همپوشانی و انطباق آنها، تحقق شهر اسلامی را موجب خواهد شد. در فضای عملی و رفتاری، مطابق دستورات و بایدها و نبایدهایی که از تعالیم اسلامی استنباط و استخراج می‌شوند، عمل و رفتار مسلمانان (اهل شهر؛ اعم از مدیران یا شهروندان) شکل می‌گیرد (نقی‌زاده، ۱۳۹۰، ۱۹۷).

در چهارچوب فضای شهر اسلامی، اخلاق اسلامی به عنوان اصلی‌ترین عامل تأثیرگذار بر فرهنگ اجتماعی، جهت‌دهنده رفتار و فعالیت‌هایی است که توسط افراد جامعه بروز می‌یابد و حیطه‌های مختلف فردی، خانوادگی، سازمانی و اجتماعی رفتارها را متأثر می‌سازد. بدین ترتیب بخش عمده‌ای از رفتارهای فرد در بستر عمومی جامعه و فضای شهری روی می‌دهد که ممیزات، چهارچوب و جلوه‌های آن در قالب مظاهر مختلف اخلاق اسلامی (از جمله حياء) قابل بحث و ردیابی در فضای شهری است.

### مفهوم لغوی و اصطلاحی میاء

حیاء از ریشه «حی و» (ابن‌احمد الفراهیدی، ۱۳۶۷، ۳۱۷) یا «ح‌ی» (الجوهری، ۱۳۶۸، ۲۳۲۳) و معنای آن در فارسی شرم، خجالت، حياء، آزر و کم‌رویی بیان شده است (آذرنوش، ۱۳۸۴، ۱۵۱) و «وَقَاَحَتْ» (بیشرمی)، که حقیقت آن اصرار بر انجام دادن زشتی‌هاست، معنای متضاد آن است (راغب اصفهانی، ۱۳۷۳، ۲۸۹) که البته در احادیث و در بیان معنای متضاد آن، مجازاً به صفات دیگری همچون «خَلْع» (کندن لباس) (ابن بابویه، ۱۳۴۴، ۱۱۵) و «جَلْع» (الکلبینی الرازی، ۱۳۶۲، ۲۲) اشاره شده است. به بیان لغتنامه دهخدا «حیا به معنای شرم و آزر باشد و آن انحصار نفس است در وقت ارتکاب فعل قبیح، جهت احتراز و دوری از مذمت» (دهخدا، ۱۳۳۸، ۸۴۳). در اینجا باید توجه داشت که شاید نتوان واژه حياء را معادل واژه شرم در فارسی دانست؛ چرا که بنا به تعریف دهخدا شرم، حیرت و وحشتی است که در آدمی ظاهر می‌شود از آگاه شدن دیگری بر عیب و نقص او (دهخدا، ۱۳۳۸، ۳۳۳) و این حالت مربوط به بعد از انجام عمل است، در حالی که حياء قبل از انجام عمل، خود را نشان می‌دهد. لذا برای القای معنای واقعی آن، کاربرد واژه حياء در زبان فارسی نیز متداول گردیده است.

مطابق جدول ۱ و با توجه به بیان راغب در تعریف حياء، توجه به نفس عمل و زشت بودن آن باعث بازدارندگی در فرد می‌شود. باید افزود که گاهی حياء به جای «خَجَل» (تحیّر ناشی از فرط حياء) به کار رفته، اما به اعتقاد ابوهلال عسکری این کاربرد، نوعی توسع معنایی حياء است،

بروز و تجلی حياء در سنت شهرسازی و در فضاهای شهری امروزی، نیز در رویکردی استقرایی و تحلیلی و مبتنی بر شاخص‌های مأخوذ، شیوه‌ها و جلوه‌های حياء مطرح شده است.

### مفهوم فضای شهری

فضای شهری، مرکز ثقل مباحث شهرسازی است که نظرات و تعاریف گوناگونی درباره آن ارائه شده است که دلیل اهمیت این مفهوم، نقش آن به عنوان ظرف فعالیت‌های شهری و بیان‌کننده تحولات زندگی شهری است. در هر شهر، مجموعه‌ای از انواع فضاهای شهری طراحی شده و یا به تدریج شکل گرفته را می‌توان مشاهده کرد. فضاهای شهری بخشی از فضاهای عمومی شهرها هستند که تبلور ماهیت زندگی جمعی است؛ یعنی جایی است که مردم در آن حضور دارند و بستری است که زندگی جمعی در آن جاری می‌شود.

فضای شهری صحنه‌ای است که فعالیت‌های عمومی زندگی شهری در آنها به وقوع می‌پیوندند (بحرینی، ۱۳۷۷، ۳۱۳). به بیان ملموس‌تر، فضاهای شهری، فضاهایی سه بعدی هستند که به وسیله احجام، منظر ابنیه اطراف، فرش و کف با شکل و فرمی مشخص برای فعالیت‌ها و عملکردهای گوناگون مهیا می‌باشند (پورجعفر و پورجعفر، ۱۳۹۳، ۱۷۰). فضای شهری، فضایی است که همه شهروندان در آن حضور دارند و به همه مردم اجازه می‌دهد که به آن دسترسی داشته باشند و در آن فعالیت کنند (پاکزاد، ۱۳۸۶، ۸۱). در واقع، شهر و فضاهای مختلف آن ظرفی برای فعالیت‌ها و رفتارهای ساکنان آن هستند. کیفیت این فضاها وابستگی شدیدی به نحوه فعالیت و الگوهای رفتاری استفاده‌کنندگان دارد. میزان سازگاری فضاها با نیازها، نحوه فعالیت و رفتارهای جاری در آن معیار مهمی برای سنجش میزان سلامت، توانایی و هماهنگی هر جامعه است (پاکزاد، ۱۳۸۰، ۳۴). در این فضا فرصت آن وجود دارد که برخی مرزهای اجتماعی شکسته شوند و برخوردهای از پیش تدوین نیافته به وقوع بپیوندند و افراد در یک محیط اجتماعی جدید باهم اختلاط یابند (Lynch, 1972, 409). همان‌طور که ملاحظه می‌شود، مفهوم اساسی و مشترک در تمام مفاهیم و تعابیر فضای شهری، فضای اجتماعی است که امکان و ظرف فعالیت‌ها و تعاملات اجتماعی را در فضاهای بیرونی شهر فراهم می‌آورد. در این فصل مشترک، فضای شهری شامل آن دسته از فضاهای عمومی شهری است که هم ظرف فعالیت‌ها، رویدادها، زندگی و فرهنگ شهری است و هم موثر بر این فرایندها و محصولات انسانی. فعالیت‌ها و رفتارهای اجتماعی نیز متأثر از فرهنگ عمومی جامعه است که با ملاحظه ارکان سه‌گانه شهر اسلامی، بخش عمده‌ای از آن صبغه دینی و اسلامی دارد. توضیح آن که در تحلیل شهر ارکان

جدول ۱. تعاریف مختلف حياء و مفاهيم ماخوذ از آن

عنوان بخش	زیربخش	مصادق	مفهوم پایه
مفهوم لغوی و اصطلاحی حياء	تعریف لغت‌نامه دهخدا	حیا به معنای شرم و آزر باشد و آن انحصار نفس است در وقت ارتکاب فعل قبیح، جهت احتراز و دوری از مذمت (دهخدا، ۱۳۳۸، ۸۴۳).	مانع ارتکاب قبائح عدم نکوهش توسط دیگران
	تعریف راغب اصفهانی	حیاء گرفتگی نفس از زشتی‌ها و ترک آن به این جهت [زشت بودن] است (راغب اصفهانی، ۱۳۷۰، ۲۷۰).	
	تعریف تهذیب‌الاخلاق	حیاء عبارت است از بازداشتن نفس و ترسانیدن آن از میل به سوی زشتی‌ها و دوری از مذمت و ملامت راستگویان (ابن مسکویه، ۱۳۸۳، ۱۰۱).	
	تعریف نصیرالدین طوسی	تعبیر طوسی نیز چنین است: «حیا انحصار نفس باشد در وقت استشعار از ارتکاب قبیح بجهت احتراز از استحقاق مذمت» (نصیرالدین طوسی، بی‌تا، ۷۷).	

در آیات فراوانی به مفهوم حياء اشاره شده است، اما در تعداد کمی از آنها این واژه عیناً ذکر شده است و غالباً محتوا و تفسیر آیه به این امر اشاره دارد. در کلام الهی الفاضلی از مصدر «استحیاء» که معنای آن مرتبط با بحث این مقاله است، چهار بار به کار رفته است؛ به صورت فعل منفی «لا یستحیی» (بقره/۲۶ و احزاب/۵۳) که در هر دو مورد به خدا نسبت داده شده است و به صورت فعل مثبت «یستحیی» (احزاب/۵۳) که فاعل آن رسول اکرم (ص) است. این مفهوم یک بار هم به صورت مصدر «استحیاء» (قصص/۲۵) آمده و به دختر حضرت شعیب (ع) نسبت داده شده است. بر خلاف آیات، احادیث بسیاری را می‌توان یافت که واژه حياء در آن صریحاً ذکر شده و مفهوم آن مورد توجه قرار گرفته است که ذیلاً و با دسته‌بندی انجام شده، مهم‌ترین موارد هم‌راستای با موضوع تحقیق ارائه می‌شود.

### اقسام حياء

در منابع روایی، انواع مختلفی از تقسیمات حياء دیده می‌شود؛ بطوری که این مفهوم، از جهت مواردی که به کار رفته و نسبت به اموری که از آن حياء شده است، به دو قسم ممدوح و مذموم تقسیم می‌شود. همچنین برخی از بزرگان، حياء را بر دو نوع نفسانی و ایمانی دانسته‌اند که توضیح آن به شرح ذیل است:

**الف) حیای ممدوح و حیای مذموم:** عمدتاً از حیای ممدوح به شرم و حياء تعبیر می‌شود و از حیای مذموم به کم‌رویی. بر این اساس، حياء به دو نوع تقسیم شده است. طبق روایتی از پیامبر اسلام (ص) نقل شده که فرمودند: «حیاء دو حياء است: یکی حياء خردمندانه و یکی حياء احمقانه، حياء خردمندانه دانش است و حياء احمقانه همان نادانی است» (کلینی، ۱۳۷۵، ۳۲۵). در این بیان، حیای نوع اول، پسندیده و بر آن تأکید شده است و حیای نوع دوم، مذموم و ناپسند

زیرا حياء در اصل شرم کردن از انجام دادن کاری است که هنوز به وقوع نپیوسته و خجل، شرمگین شدن در برابر امری است که انجام پذیرفته است (العسکری، ۱۳۷۰، ۲۱۳-۲۱۲).

معنای لغوی حياء، مقارن مفهوم اصطلاحی آنست. حياء در اصطلاح عبارت است از محصور کردن و انفعال نفس از ارتکاب محرمات شرعی و قبائح عقلی و عرفی، به جهت این که فرد مورد نکوهش دیگران قرار نگیرد. در این راستا، تعریف ابن مسکویه در تهذیب‌الاخلاق و خواجه نصیرالدین طوسی قابل ذکر است که در جدول ۱ بدان اشاره شده است. بدین ترتیب آنچه از معنای لغوی و اصطلاحی حياء و تعاریف مختلف آن استنباط می‌شود آنست که حياء نوعی انفعال و انقباض نفسانی است که موجب خودداری از انجام امور ناپسند در انسان می‌گردد و منشأ آن ترس از سرزنش دیگران است. این دو مفهوم مشترک، به عنوان مفاهیم پایه در انتهای جدول ۱ مورد اشاره قرار گرفته است که این سیاق در ارائه مبانی پایه و مشترک در قالب جداول آتی، در سایر موارد تبیینی و توضیحی نیز رعایت می‌شود.

### تملیل ویژگی‌های حياء در (روایات و اشارات ائمه معصومین (ع))

آنچه در این بخش ارائه می‌شود، تبیین ویژگی‌های حياء در تعالیم اسلامی است که متکی بر منابع حدیثی و بیانات ائمه معصومین (ع) است. همچون بسیاری از اجتهادات دینی و استنباط‌های فقهی، در تبیین این گونه اخلاقیات در کنار بهره‌مندی از آیات الهی، از احادیث وارده استفاده‌های بسیاری می‌توان برد که ابتدای این بخش نیز همان بیانات بزرگان دین است. در این راستا سعی شده دسته‌بندی کلی و مفیدی ارائه شود که در عین اختصار، نگاهی فراگیر داشته و در تحلیل بخش‌های بعدی رهنمون باشد. در ابتدای بحث، لازم به ذکر است که

جدول ۲. اقسام حیاء در روایات و مفاهیم ماخوذ از آن

عنوان بخش	زیربخش	مصدق	مفهوم پایه
اقسام حیاء	حیای نفسانی	پیامبر اسلام (ص): حیاء ده جزء است: نه جزء آن در زنان است و یک جزء در مردان (طبرسی، ۱۳۶۵، ۳۸۲-۳۸۳). پیامبر اسلام (ص): حیا نیکو است، اما از زنان نیکوتر (پاینده، ۱۳۸۲، ۵۷۸-۵۷۹).	مرتبط با عفاف
	حیای ایمانی	امام علی (ع): ایمانی چون حیاء نیست (شریف الرضی، ۹۱۳۷، ۶۵۱). امام صادق (ع): حیاء از ایمان است و ایمان در بهشت است و نیز؛ ایمان نیست برای کسی که حیاء ندارد (کلینی، ۱۳۷۵، ۳۲۳).	مرتبط با اعتقادات

هماهنگ است. اما نوع دوم حیاء به ایمان و اعتقادات افراد بستگی دارد که مفهومی بالاتر از حیای نفسانی است. بطوری که هر چه ایمان فرد قوی‌تر شود، این حیاء نیز در او بیشتر می‌شود. کسی که این نوع حیاء در قلب و دلش وجود داشته باشد، مسلماً عفت را نیز رعایت کرده و از گناه خودداری می‌کند. تاکید روایات بر ارزش حیاء به عنوان یکی از خصوصیات اصلی مومنان بیانگر اهمیت این موضوع است. حیای ایمانی همان حس حضور است که شیعه و فلسفه شیعی را از سایر فرق اسلامی متمایز می‌کند. درک حضور و نظارت در شیعه بسیار گسترده‌تر و عمیق‌تر از سایر فرق اسلامی مطرح می‌شود. توجه به نظارت پیامبر (ص)، ائمه (ع)، فرشتگان، شهدا و بسیاری از ناظران دیگر از تفاوت‌های اساسی شیعه با سایر فرق اسلامی است.

شمرده شده و از آن نهی شده است. (ب) **حیای نفسانی و حیای ایمانی:** بر اساس تقسیم‌بندی دیگری، برخی حیاء را بر دو نوع دانسته‌اند: نفسانی، که خداوند آن را بر همه جان‌ها آفریده است؛ و ایمانی که مومن را از گناه کردن به خاطر ترس از خداوند باز می‌دارد (جرجانی، ۱۳۶۹، ۴۲). بر مبنای این تقسیم‌بندی (جدول ۲)، یک نوع حیاء بیشتر به حوزه عفاف ارتباط دارد و دیگری بیشتر به حوزه ایمان و اعتقادات مرتبط است. در توضیح این دو نوع حیاء باید اشاره داشت از آن‌جا که برخی روایات حیاء را امری مرتبط با جنسیت و حوزه زنان عنوان می‌کنند، نمی‌توان آن را با ایمان به یک معنا دانست. تفاوت‌هایی مورد نظر روایات، نشان دهنده برخی ممیزات روانی میان زن و مرد است که بر اساس حکمت و مصلحت در انسان قرار داده شده و با نیازهای طبیعی انسان کاملاً

جدول ۳. مراتب حیاء در روایات و مفاهیم ماخوذ از آن

بخش	زیربخش	مصدق	مفهوم پایه
مراتب حیاء	روایات مربوط به عفت و زنان	پیامبر اسلام (ص): حیاء ده جزء است: نه جزء آن در زنان است و یک جزء در مردان (طبرسی، ۱۳۶۵، ۳۸۲-۳۸۳). پیامبر اسلام (ص): حیا نیکو است، اما از زنان نیکوتر (پاینده، ۱۳۸۲، ۵۷۸-۵۷۹).	ارزش وابسته به جنسیت
	روایات مرتبط با ایمان و اعتقاد انسان	پیامبر اسلام (ص): حیاء و ایمان قرین یکدیگرند. وقتی یکی را گرفتند، دیگری همراه آن می‌رود (پاینده، ۱۳۸۲، ۲۷۷). پیامبر اسلام (ص): حیاء از ایمان است، پس ایمان وابسته شده است به حیاء و حیاء به ایمان (مصطفوی، ۱۳۶۰، ۴۲۵).	شاخص ایمان
	روایات ناظر بر همراهی عقل را با حیاء	امام علی (ع): جبرئیل بر آدم (ع) فرود شد و گفت: ای آدم من مأمورم تو را میان سه چیز مخیر سازم تا یکی را بگزینی و دو تا را وانهی، آدم گفت: ای جبرئیل آن سه چیز کدامند؟ گفت: عقل و حیاء و دین، آدم گفت: عقل را برگزیدم، جبرئیل به حیاء و دین گفت: شما برگزیدید و او را وانهدید، گفتند: ای جبرئیل، ما دستور داریم که همراه عقل باشیم هر جا که باشد، گفت: اختیار با شما است و بالا رفت (کلینی، ۱۳۷۵، ۳۳-۳۵). امام علی (ع): عقل درختی است که میوه آن سخاوت و حیاست (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ۳۲۹).	ممیزه انسان

## مراتب حياء

با دقت در دسته‌بندی ارائه شده، می‌توان دریافت که نگاه روایات به مفهوم حياء، نگرشی سلسله‌مراتبی و توسعه‌ای است (شکل ۱) که با تعداد و کثرت روایات، نسبت معکوس دارد. در این راستا، تعداد روایات در مراتب بیان شده، روندی کاهشی داشته که در آن، با گذر از مفهوم جنسیتی و ایمانی، بُعد انسانی و عقلانی یافته است. به بیان دیگر در نگاه متکامل دین، رعایت شئون انسانی و عقلانی مقارن با مفهوم حياء است که این نکته می‌تواند در خلق آثار و فضاهای زیستی مورد توجه وسیعی قرار گیرد.

## ساحت‌های حياء

مفهوم حياء در دو ساحت و قلمرو به کار می‌رود: قلمرو روابط درونی (ارتباط با خود) و قلمرو روابط بیرونی (ارتباط با دیگران). روابط بیرونی دربرگیرنده پیوند و ارتباط با خدا، وجودهای متعالی دیگر (فرشتگان، ائمه‌(ع) و اولیای الهی) و افرادی است که فرد در زندگی روزانه با آنها مواجه است؛ مانند خانواده، دوستان، آشنایان و ... بدین ترتیب حياء برحسب آن که در برابر چه کسی و در چه ساحت و قلمروی صورت پذیرد، در روابط گوناگون قرار گرفته و به پنج نوع کلی تقسیم شده است: حياء از نفس، حياء از خلق، حياء از ملائکه، حياء از اولیاء و حياء از خداوند (جدول ۴).

در دو مورد اخیر، یعنی حياء از اولیاء و خداوند، در میان پیروان مکتب اهل بیت(ع) عقیده معروف و مشهور این است که پیامبر(ص) از اعمال همه امت آگاه می‌شوند؛ یعنی خداوند از طرق خاصی، اعمال امت را بر آنها عرضه می‌دارد. مسأله عرض اعمال اثر تربیتی فوق‌العاده‌ای در معتقدان به آن دارد، زیرا هنگامی که فرد بداند علاوه بر خدا که همه جا با وی است، پیامبر(ص) و پیشوایان، از هر عملی که فرد انجام می‌دهد، اعم از خوب و بد آگاه می‌شوند، بدون شک بیشتر رعایت کرده و مراقب اعمال خود خواهد بود (مکارم شیرازی، ۱۳۸۴، ۲۵۱).

با توجه به بخش پیشین در بیان حياء نفسانی و ایمانی و در تکمیل آن، می‌توان به مراتب حياء اشاره داشت. بطور کلی روایات مرتبط با مفهوم حياء را می‌توان به سه دسته (جدول ۳) تقسیم نمود: الف) در برخی از روایات، حياء به عنوان یکی از ارزش‌های اخلاقی وابسته به جنسیت یاد شده است؛ ب) در برخی دیگر از روایات، حياء به عنوان یکی از شاخصه‌های اصلی انسان مسلمان معرفی شده و این ارزش دینی را لازمه ایمان عنوان کرده‌اند؛ ج) در نهایت، برخی روایات دیگر نیز این خصوصیت را مختص انسان دانسته و همراهی عقل و حياء را در انسان یادآور شده است.

در دسته اول می‌توان به روایاتی اشاره نمود که مفهوم حياء را با بحث عفت و زنان مرتبط می‌داند. این روایات حياء را بیشتر مختص زنان عنوان می‌کند، از این رو در برخی از آنها مرز بین عفت و حياء چندان مشخص نشده است. در دسته دوم، حياء را با ایمان و اعتقاد انسان به خداوند مرتبط دانسته و لازمه ایمان را وجود حياء در انسان عنوان کرده‌اند. در این دسته احادیث، ارتباط تنگاتنگ حياء و باور و اعتقاد فرد مورد توجه قرار گرفته و تاکید شده که هر چه حياء در فرد بیشتر شود، ایمان نیز در او بیشتر می‌شود. در دسته سوم احادیثی قرار دارد که در آن حياء یکی از ویژگی‌های انسان به شمار می‌رود و در سایر موجودات وجود ندارد و یا حداقل به این شکل دیده نمی‌شود. یکی از بیانات خاص در این حوزه، بیان امام صادق(ع) در توحید مفضل است که صراحتاً در آن اختصاص حياء به انسان اشاره شده است (ابن عمر جعفی، ۱۳۷۹، ۱۰۳). این انحصار حياء برای انسان، همراهی آن را با عقل نیز در بیان احادیث اجتناب‌ناپذیر ساخته است، چه آن که قدرت تعقل نیز خاص انسان بوده و در سایر موجودات وجود ندارد و یا لاقط بدین شکل دیده نمی‌شود.



شکل ۱. توسعه مفهوم حياء در روایات

جدول ۴. ساحت‌های حیاء در روایات و مفاهیم ماخوذ از آن

بخش	زیربخش	مصادق	مفهوم پایه
حیاء از نفس	حیاء از نفس	امام علی <sup>(ع)</sup> : شرم مرد از نفس خود میوه ایمان است (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ۴۱۸)	ساحت فردی
		امام علی <sup>(ع)</sup> : از تمامی آدمیت اینست که شرم کنی از نفس خود (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ۲۶)	
حیاء از خلق	حیاء از خلق	امام علی <sup>(ع)</sup> : بدترین بدان کسیست که شرم نکند از مردم، و نترسد از خدای سبحانه (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ۱۷۱)	ساحت عمومی
		رسول اکرم <sup>(ص)</sup> : شخص باید از دو فرشته خویش که با او هستند شرم کند چنان که از دو مرد پارسا از همسایگان خود شرم می‌کند که فرشتگان شب و روز با او هستند (پاینده، ۱۳۸۲، ۶۵۶)	
ساحت‌های حیاء	حیاء از اولیاء	رسول اکرم <sup>(ص)</sup> : حیاء کنید از فرشتگانی که با شماست» (مجلسی، ۱۳۶۱، ۲۰۰)	ساحت الهی و اولیاء
		امام صادق <sup>(ع)</sup> : تمام اعمال مردم هر روز صبح به پیامبر <sup>(ص)</sup> عرضه می‌شود، اعمال نیکان و بدان، بنابراین مراقب باشید و از اینکه عمل زشتی از شما بر پیامبر <sup>(ص)</sup> عرضه شود شرم کنید (مجلسی، ۱۳۶۱، ۳۴۰)	
		رسول اکرم <sup>(ص)</sup> : از خدا حیاء کنید آن‌طور که حق حیاء است (مجلسی، ۱۳۶۱، ۳۱۷)	
حیاء از خداوند	حیاء از خداوند	رسول اکرم <sup>(ص)</sup> : خدا رحمت کند بنده‌ای را که از پروردگارش حیاء می‌کند آن‌طور که حق حیاء است (مجلسی، ۱۳۶۱، ۳۳۶)	
		امام زین‌العابدین <sup>(ع)</sup> : از خدا بیم داشته باش، چون او بر تو توانا است و از خدا خجالت بکش، چون به تو نزدیک است (اربلی، ۱۳۴۰، ۱۰۸)	

## آثار حیاء

حیاء انگیزه‌ای برای رعایت احکام اخلاقی و عاملی برای ممانعت از اعمال سوء و حتی بیش از آن، عاملی است برای جلوگیری از موقعیت‌هایی که در آن فرصتی برای ارتکاب به گناه به وجود می‌آید. این خلق و خوی پسندیده، به نوبه خود دارای آثاری است که ذیل حوزه‌های اعتقادی، اخلاقی، دنیوی و اخروی قابل بررسی است. مصادیق روایی حوزه‌های یاد شده، به شرح جدول ۵ است.

## جلوه‌های حیاء

علاوه بر آثار بیان شده در بخش پیشین، حیاء آثاری در افعال و جوارح انسان دارد که با توجه به حوزه رخداد و تأثیر آن عبارتند از: حیاء در دیدار، حیاء در گفتار، حیاء در شنیدار، حیاء در پندار و حیاء در کردار (جدول ۶).

با عنایت به جلوه‌های حیاء در دیدار، گفتار، شنیدار، پندار و کردار، رفع انواع آلودگی‌های صوتی و بصری در فضای عینی، نخستین آموزه مستقیم این بخش است که هم دارای بعد کالبدی است و هم در رفتارهای اجتماعی قابل بررسی است. مضافاً این که تمام حالات و

اعمال فرد از جمله آثار خلق شده وی تحت تأثیر حیاء خواهد بود. بنابراین خالقان آثار و طراحان نیز مشمول قواعد و تجلیات حیاء بوده، لاجرم مبدع آثاری خواهند بود که در عین تلبس به لباس حیاء، در ارتکاب قبایح و زشتی‌ها نیز خصلتی بازدارنده خواهند داشت.

## علل و عوامل بی‌حیایی

علل و عوامل موثر در بی‌حیایی یا کاهش حیاء را به می‌توان به عوامل مختلف فردی، طبیعی، خانوادگی، اجتماعی و فرهنگی دسته‌بندی نمود (جدول ۷) که شرح آن بدین ترتیب است:

**الف) عوامل فردی:** در روایات، اموری به عنوان موانع حیاء و یا به عبارت دیگر علل بی‌حیایی یا کمی حیاء معرفی شده‌اند که مهم‌ترین آنها عبارتند از: از میان برداشتن پرده‌ها و حریم‌ها، دست‌نیاز به سوی مردم دراز کردن، زیاد سخن گفتن، شراب خواری.

**ب) عوامل طبیعی:** در دسته‌های از احادیث، حیاء به عنوان یکی از ارزش‌های اخلاقی وابسته به جنسیت تعریف شده که با بحث عفت و زنان مرتبط شده است. بخش عمده این تأکید، ناشی از تفاوت‌های طبیعی میان زنان و مردان است که مورد توجه قرار گرفته است.



جدول ۵. آثار حیاء در روایات و مفاهیم ماخوذ از آن

مفهوم پایه	مصدق	زیربخش	بخش
ساحت فردی	امام علی <sup>(ع)</sup> : شرم مرد از نفس خود میوه ایمان است (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ۴۱۸)	حیاء از نفس	
ساحت عمومی	امام علی <sup>(ع)</sup> : از تمامی آدمیت اینست که شرم کنی از نفس خود (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ۲۶)	حیاء از خلق	
ساحت الهی و اولیاء	رسول اکرم <sup>(ص)</sup> : شخص باید از دو فرشته خویش که با او هستند شرم کند چنان که از دو مرد پارسا از همسایگان خود شرم می‌کند که فرشتگان شب و روز با او هستند (پاینده، ۱۳۸۲، ۶۵۶)	حیاء از ملائکه	
	رسول اکرم <sup>(ص)</sup> : حیاء کنید از فرشتگانی که با شماست» (مجلسی، ۱۳۶۱، ۲۰۰)		ساحت‌های حیاء
	امام صادق <sup>(ع)</sup> : تمام اعمال مردم هر روز صبح به پیامبر <sup>(ص)</sup> عرضه می‌شود، اعمال نیکان و بدان، بنابراین مراقب باشید و از اینکه عمل زشتی از شما بر پیامبر <sup>(ص)</sup> عرضه شود شرم کنید (مجلسی، ۱۳۶۱، ۳۴۰)	حیاء از اولیاء	
	رسول اکرم <sup>(ص)</sup> : از خدا حیاء کنید آن‌طور که حق حیاء است (مجلسی، ۱۳۶۱، ۳۱۷)		
	رسول اکرم <sup>(ص)</sup> : خدا رحمت کند بنده‌ای را که از پروردگارش حیاء می‌کند آن‌طور که حق حیاء است (مجلسی، ۱۳۶۱، ۳۳۶)	حیاء از خداوند	
	امام زین‌العابدین <sup>(ع)</sup> : از خدا بیم داشته باش، چون او بر تو توانا است و از خدا خجالت بکش، چون به تو نزدیک است (اربلی، ۱۳۴۰، ۱۰۸)		

جدول ۶. جلوه‌های حیاء در روایات و مفاهیم ماخوذ از آن

مفهوم پایه	مصدق	زیربخش	بخش
تجلی حسی	امام باقر <sup>(ع)</sup> : خداوند حیاء را در چشمان قرار داده است (مجلسی، ۱۳۶۱، ۱۶۶)	دیدار شنیدار	
	امام علی <sup>(ع)</sup> : سخن بگویند تا شناخته شوید، زیرا که انسان در زیر زبان خود پنهان است (شریف الرضی، ۱۳۷۹، ۷۲۵)	گفتار	
جلوه غیرحسی (خلاقیات)	امام علی <sup>(ع)</sup> : شنونده غیبت یکی از غیبت کنندگان و شریک غیبت کننده است (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ۱۳۴ و ۱۴۲)	پندار	جلوه‌های حیاء
جلوه غیرحسی (رفتار)	پیامبر اکرم <sup>(ص)</sup> : پس اگر بجا آورنده حق حیا هستید، پس باید که هیچ یک از شما شب را به سر نبرد مگر این که اجل او در برابر چشمانش باشد و نسبت به زینت دنیا زهد بورزد و باید سر و آنچه که در سر دارد (اندیشه‌های درونی خویش) حفظ نماید (مجلسی، ۱۳۶۱، ۳۱۷)	کردار	
	امام جعفر صادق <sup>(ع)</sup> : توصیه حضرت مسیح <sup>(ع)</sup> است که «هر یک از شما که در منزل خویش می‌آرمد، پوششی را روی خود بیفکند؛ چراکه خداوند متعال بسان تقسیم روزی، حیاء را نیز تقسیم می‌کند» (جرعاملی، ۱۳۶۷، ۱۳۵)		



جدول ۷. علل بی‌حیایی در روایات و مفاهیم ماخوذ از آن

بخش	زیربخش	مصادق	مفهوم پایه
فردی		امام کاظم <sup>(ع)</sup> : یک باره پرده احترام را از میان خود و برادرانت بر مدار و از آن بر جا گذار زیرا رفتن آن مایه بی‌شرمی است (کلینی، ۱۳۷۵، ۵۹۳).	حریم رفتار
		امام صادق <sup>(ع)</sup> : حاجت خواستن از مردم بر باد دادن عزت و بردن حیاء است (کلینی، ۱۳۷۵، ۴۴۱).	بینیازی از مردم
		امام علی <sup>(ع)</sup> : و کسی که زیاد سخن می‌گوید، زیاد هم اشتباه دارد و هر کس که بسیار اشتباه کرد، شرم و حیاء او اندک است. (شریف الرضی، ۱۳۷۹، ۷۱۳).	عدم لغزش در گفتار
		امام رضا <sup>(ع)</sup> : خداوند شراب را حرام کرده است برای آن که شراب مایه فساد است. به‌علاوه عقل را از درک حقایق ساقط می‌کند و آدمی را در مواجهه با مردم بی‌شرم و حیاء می‌نماید (فلسفی، ۱۳۶۸، ۷۴).	عدم مفسده
علل بی‌حیایی	طبیعی	امام صادق <sup>(ع)</sup> : شهوت را ده جزء قرار داده نه جزئش در زنان است و یکی در مردان و اگر نبود که خدا به اندازه شهوت به زنان حیاء داده بود، به هر مردی نه زن درمی‌آویخت» (ابن بابویه، ۱۳۷۷، ۲۰۵).	جنسیت
		امام صادق <sup>(ع)</sup> [برای زنان بعد از ازدواج] ... و پنج جزء آن بماند و اگر به گناه (زنا) آلوده گردد و به فساد گراید، همه حیاء او زائل شود، ولی اگر عفت خود را نگهدارد، پنج جزء آن باقی بماند» (طبرسی، ۱۳۶۵، ۳۸۳).	مراحل مختلف زندگی
	خانوادگی	پیامبر اکرم <sup>(ص)</sup> : در ده سالگی میان بستر پسرها و دخترها فاصله انداخته میشود» (حرعاملی، ۱۳۶۷، ۲۳۱).	نوع ارتباط خانواده و جامعه
	اجتماعی	مفهوم حسن و قبح در اجتماع حضور مردم، به عنوان ابتدایی‌ترین و مرسوم‌ترین ناظر	نظارت اجتماعی
	فرهنگی	لزوم آشنایی جامعه با مفاهیم دینی و درک معانی آن و تبعاً، افزایش تربیت دینی	یاد خدا و معاد

تربیت دینی است. تعالیم دینی نقش تعیین کننده‌ای در اخلاق، تربیت و روش زندگی مردم و نیز در برقراری ارتباط با خدا و درک و احساس حضور در محضر پروردگار و ائمه داشته است.

### 🏠 وجوه مضور اخلاق اسلامی در فضای شهری

پیام‌ها و آموزه‌های اخلاق اسلامی، از مسیره‌های متنوعی به فضای شهری سرایت یافته و متظاهر می‌شوند که به‌طور خلاصه می‌توان در شکل ۲ مشاهده نمود. مطابق این نمودار، دوگانه‌های مختلفی در تحلیل بحث قابل شناسایی است که محور آن، دوگانه‌های اصلی؛ یعنی اخلاق و انسان و نیز اخلاق و فضای شهری است. در این راستا، دوگانه‌های تبعی نیز قابل احصاء است که به ترتیب اخلاق و رفتارهای اجتماعی و نیز رفتارهای اجتماعی و فضای شهری است.

(ج) عوامل خانوادگی: از دیدگاه اسلام بین اعضای خانواده مرزهای متفاوتی وجود دارد. از این رو در رفتار و پوشش نیز بین سایر اعضای خانواده محدودیت‌هایی ایجاد می‌شود. دقت در روایات بیانگر این است که در روابط میان اعضای خانواده نیز در بسیاری موارد به حریم‌ها و نگه داشتن حدود و حفظ حیاء توجه شده است.

(د) عوامل اجتماعی: تعریف حیاء نشان می‌دهد عوامل گوناگونی در عرصه روابط اجتماعی می‌تواند موجب کم‌حیایی یا بی‌حیایی شوند. تغییر مفهوم حسن و قبح در جامعه یکی از عوامل اساسی به شمار می‌آید. یکی دیگر از عناصر حیاء، وجود ناظر است که نبودن یا کم‌ارج و بی‌اهمیت شدن آن، میزان حیاء را کاهش می‌دهد.

(ه) عوامل فرهنگی: یکی از عوامل مؤثر بر تقویت حیای ایمانی، آشنایی جامعه با مفاهیم دینی و درک معانی آن و به تبع آن، افزایش

است. کیفیات فضای ایجاد شده نیز متأثر از عوامل مختلف طبیعی (جغرافیایی و اقلیمی) و غیر طبیعی (معنایی و اخلاقی) است که چهارچوب آن در حکمت و تعالیم اسلامی نیز مورد توجه قرار گرفته است.

### اصول تجلی میاء در فضای شهری

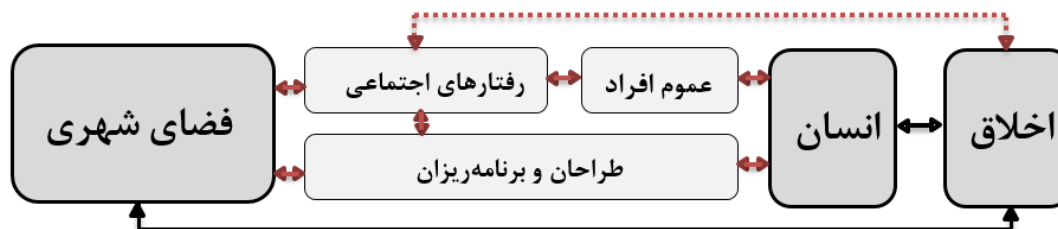
در این بخش، نتایج تحلیلی و مآخوذ از جداول قبلی (در بخش سوم) که در ستون مفهوم پایه بیان شده، به عنوان مفاهیم اصلی بحث مورد بررسی قرار گرفته و متناظر با آن، مفاهیم تحلیل محیطی آن بیان شده و نهایتاً اصول کلی منتج از آن، تبیین شده است. بنابراین با توجه به آنچه درباره ویژگی‌های حیات در تعالیم اسلامی، مستند به مفاهیم پایه و عمدتاً روایی بیان شد، تحلیل جمع‌بندی و نتایج حاصل از آن در حصول به اصول شاخص (مطابق جدول ۸) خواهد بود.

با توجه به جدول ذکر شده، مهم‌ترین اصول منتج از مفاهیم پایه و مفاهیم تحلیلی در محیط، به ترتیب اهمیت و تکرار عبارتند از: کرامت (عزت نفس)، حرمت، معنویت، نظارت و عقانیت (شکل ۳).

در توضیح اصول یاد شده باید اشاره داشت که حفظ کرامت انسان و عزت نفس اصلی‌ترین محور اخلاق اسلامی در ترغیب افراد در طی طریق است؛ بطوری که در بیان برخی، فضیلت کرامت نفس «ام‌الفضایل» است که دارای آثار متعددی همچون ثبات و پایداری، همت بلند، دوری از عجب و خودپسندی، تواضع و فروتنی و سعه صدر می‌باشد (مظاهری، ۱۳۸۳، ۲۹۲-۲۹۱). کرامت به معنای دوری از پستی و فرومایگی است و روح بزرگواری و منزه از هر پستی را کریم گویند (جوادی آملی، ۱۳۶۸، ۲۲). در واقع، در اخلاق اسلامی، محور و آن نقطه‌ای از روح انسان که اسلام برای احیای اخلاق انسانی و سوق دادن انسان به سوی اخلاق تأکید نموده، کرامت و عزت نفس است (مطهری، ۱۳۹۰، ۱۲۲). اصل دیگری که مرتبط با مفهوم کرامت و منتج از آنست، اصل حرمت است. حرمت در لغت به معنای تقدس، تبرک، مصونیت (روحانی)، احترام، بزرگداشت، حالت تحریم، هر چیز

در تبیین دوگانه اصلی اخلاق و انسان، باید اشاره داشت که انسان، اصلی‌ترین مخاطب آموزه‌های اخلاقی است که در دو گروه عام و خاص قابل تقسیم است. در گروه عام که تمام افراد جامعه مورد نظر هستند، تخلّق به تعالیم اسلامی و زیستن مطلوب هدف اصلی است که در آن، محیط مصنوع نیز باید تجلی اصول الهی باشد. گروه خاص مورد نظر، طراحان و برنامه‌ریزان هستند که در خلق فضای شهری، باید هم‌سو و متأثر از ارزش‌ها و هنجارهای اخلاقی و دینی گام بردارند. در نگاهی دیگر، دوگانه اصلی اخلاق و فضای شهری نیز قابل تبیین است که در نگاه تأثیری و تشبیهی تحلیل می‌شوند. در نگاه تأثیری با تأکید بر اندیشه‌های حکمای اسلامی، عمدتاً به تأثیرگذاری محیط مصنوع بر انسان اشاره می‌شود و عواملی مورد تأکید قرار می‌گیرد که تأثیر مستقیم بر نفس و اخلاق افراد دارد و عوامل اقلیمی و جغرافیایی از جمله مهم‌ترین مواردی هستند که در کنار عواملی همچون نوع تربیت و خلقت، در تحلیل این رابطه مستقیم، نقش دارند. در این راستا، به تطابق و توافق مزاج انسان و مزاج محیط تأکید می‌شود که با تعمق در کیفیات فیزیکی محیط، می‌توان خصوصیات اخلاقی افراد را تبیین نمود (فارابی، ۱۳۷۶؛ ابن‌سینا، ۱۳۷۰). در رویکرد تشبیهی<sup>۲</sup> و جوه مقارن شهر و اخلاق را در تطبیق تمثیلی شهر و بدن ممکن می‌داند که شرح آن، مفصل‌تر از نگاه تأثیری در آراء حکماست. در این مشابهت، حالات کالبد و نفس، همچون شهر و اهلس است و نفس چنان در کالبد تصرف می‌کند که که شهروندان در شهر تصرف می‌کنند. بدین ترتیب همان‌گونه که صحت بدن وابسته به اعتدال مزاج و ایفای تمام اعمال نفس است، سلامت و پابرجایی شهر وابسته به اعتدال اخلاق اهالی شهر است (اخوان‌الصفاء، ۱۳۶۳؛ فارابی، ۱۳۸۲).

بدین ترتیب در تحلیل جوه تسری و تأثیر اخلاق اسلامی در فضای شهری و در قالب دوگانه‌های اصلی، توجه توأمان به ممیزات رفتاری و کالبدی امری لازم و اجتناب‌ناپذیر است. تأکید بر زیست مومنانه، مایه جهت‌دهی به رفتارهای اجتماعی است که بستر رویداد و جریان آن، فضای خلق شده توسط طراحان، برنامه‌ریزان و تصمیم‌گیران شهری



شکل ۲. جوه تسری و حضور اخلاق در شهر

جدول ۸. مفاهیم و اصول منتج از تحلیل ویژگی‌های حیاء در تعالیم اسلامی

عنوان بخش	مفهوم پایه	مفهوم تحلیلی در محیط	اصل
مفهوم لغوی و اصطلاحی حیاء	مانع ارتکاب قبائح	بازدارندگی	حرمت
	عدم نکوهش توسط دیگران	حضور و نظارت	نظارت
اقسام حیاء	مرتبط با عفاف	توجه به مراتب، هویت و زمینه رشد فرد و اجتماع	عزت نفس
	مرتبط با اعتقادات	تسلط و تذکر عناصر ایمانی و معنوی	معنویت
مراتب حیاء	ارزش وابسته به جنسیت	توجه به نیازهای افراد و جنبه‌های زندگی	کرامت انسان
	شاخص ایمان	تسلط و تذکر عناصر ایمانی و معنوی	معنویت
ساحت‌های حیاء	ممیزه انسان	همراهی با عقل	عقلانیت
	ساحت فردی	تقویت ایمان و حضور عناصر دینی	معنویت
	ساحت عمومی	وجود ناظر بیرونی و مشهود	نظارت
آثار حیاء	ساحت الهی و اولیاء	یاد خدا و اولیاء الهی	معنویت
	اعتقادی؛ تقویت ایمان قلبی	بُعد متذکر و معنوی	معنویت
مراعات حیاء	اخلاقی؛ دوری از شهوات	توجه به مراتب، هویت و زمینه رشد فرد و اجتماع	عزت نفس
	دنیوی؛ پوشاندن عیوب	بازدارندگی از مفسده‌ها و جرائم	حرمت
	دنیوی؛ آراستگی	لباس و پوشش	حرمت
جلوه‌های حیاء	تجلی حسی	کسب ارزشمندی و اعتبار	کرامت انسان
	جلوه غیر حسی (خلاقیت)	رفع زشتی‌های حسی	حرمت
	جلوه غیر حسی (رفتار)	حفظ اندیشه‌ها و فعالیت‌ها	حرمت (در امور خلاقانه)
علل و عوامل بی‌حیایی	حرمیت رفتار	حفظ رفتارهای فردی و اجتماعی	حرمت (در رفتار)
	بینیازی از مردم	لزوم حائل و مانع	حرمت
	عدم لغزش در گفتار	تاکید بر عزت	عزت و کرامت نفس
نوع ارتباط خانواده و جامعه	عدم مفسده	رفع زشتی‌های حسی	حرمت
	جنسیت	لزوم حضور عقل	عقلانیت
	مراحل مختلف زندگی	توجه به نیازهای افراد و جنبه‌های زندگی	کرامت انسان
نظارت اجتماعی	نوع ارتباط خانواده و جامعه	توجه به مراتب و هویت فرد و اجتماع	کرامت انسان
	نظارت اجتماعی	توجه به اولویت خانواده در تعاملات	کرامت انسان
یاد خدا و معاد	نظارت اجتماعی	کاهش فضاهای خلوت و بی‌دفاع، جلوگیری از اختلاط و گمنامی در بافت جمعیتی	نظارت
	تذکر دهی	تذکر دهی	معنویت

و از این‌رو است که حرمت و احترامی خاص برای صاحب کرامت بوجود می‌آید. از دیگر اصول، معیار معنویت‌گرایی است که می‌توان ادعان داشت این معیار و توجه به گرایش‌های معنوی، مهم‌ترین وجه تمایز انسان و سایر موجودات است. به تعبیر شهید مطهری، «معنویت

مقدس و متبرک، مصون و واجب‌الرعايه است (آذرنوش، ۱۳۸۴، ۱۱۹). با تأمل و مرور بر دیدگاه‌های لغوی در باب معنای کرامت و مشتقات آن، به این حقیقت می‌توان که کرامت معنایی است که در بردارندهٔ عزت، حسن، شرافت و تشخص یافتن در میان همگنان خود می‌باشد

و ابتدا به شیوه‌های تجلی اصول یاد شده اشاره می‌شود. شیوه در لغت‌نامه‌ها، عموماً به معنای روش، طرز و طریقه آمده است و روش هرگونه ابزار مناسب برای رسیدن به مقصود است (ساروخانی، ۱۳۷۵، ۲۴). تجلی و جلوه نمودن نیز مترادف با آشکار شدن و ظهور یافتن است که دارای زمینه‌ها و اشارات قرآنی و عرفانی است و مراد اولیه از جلوه‌های حضور، همان تجسم کالبدی و عینیات آشکار (رفتاری، عملکردی و غیره) در فضای شهری است که در لایه‌ای عمیق‌تر، مرتبط با مبادی دینی و معنوی است. هر چند در تبیین جلوه‌ها، موارد بیشماری را می‌توان ذکر نمود، اما هدف این نوشتار بیان موارد عمده و دارای وجوه کالبدی- فضایی و نیز رفتار اجتماعی است که معطوف به مفهوم حیات و شاخص‌های منتج از آن است. اهم موارد مطابق جدول ۹ احصاء شده است که پس از تفسیر مختصر اصول، بدان اشاره می‌شود:

**کرامت:** مهم‌ترین ابعاد اعتقاد به عزت و کرامت انسان عبارتند از: توجه هماهنگ و توأمان به نیازها و جنبه‌های مختلف زندگی انسان و نه صرفاً مادی؛ توجه به ارجحیت انسان بر مصنوعات وی و عدم تسخیر و تحقیر توسط مصنوع؛ توجه به مراتب و هویت فرد و اجتماع و ایجاد زمینه‌های رشد و تعالی هر یک.

**حرمت:** موارد عمده قابل توجه فضای شهری، تامل در مفاهیم منتج از اصل اساسی حرمت است که محورهای کلی آن عبارتند از: توجه به قلمرو و ساحت نیازها و فعالیت‌های مختلف انسانی مختلف و هماهنگی بین آنها؛ توجه به اهمیت حدود و حرائم گوناگون و مراتب آنها نسبت به یکدیگر؛ توجه به اقتضات مجاورت حدود و حرائم، با رعایت اولویت‌ها و تأثیرات تبعی.

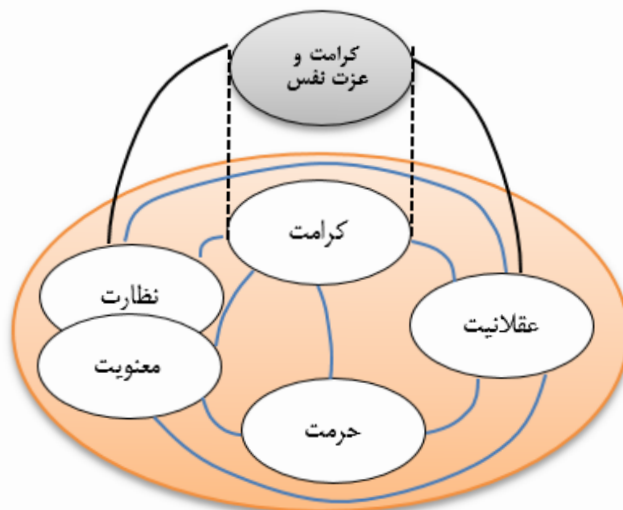
**معنویت:** مهم‌ترین نکات در معنویت‌گرایی در فضای شهری عبارتند

و انسانیت، دو امر تفکیک‌ناپذیرند و همان‌طور که دیگر نمی‌توان به معنویت چسبید و انسانیت را رها کرد، حتی نمی‌شود برای انسانیت قداستی منهای معنویت قائل شد» (مطهری، ۱۳۸۲، ۱۴۹). وی در جای دیگر به این نکته اشاره می‌کند که «براساس قرآن، ایمان و معنویت جزء سرشت انسان است» (مطهری، ۱۳۸۹، ۴۲).

اما در توضیح نظرات باید اشاره داشت که نظرات را به معنای نگرستن در چیزی با تأمل، چشم انداختن، حکومت کردن میان مردم و فیصله دادن دعای ایشان، یاری دادن و مدد کردن معنا کرده‌اند (دهخدا، ۱۳۳۸، ۲۳۳). در نگاه دینی از سوی خداوند و فرشتگان، اعمال همه افراد و حتی معصومین (ع) مورد نظارت و کنترل است. یکی از جنبه‌های شایع نظارت، نظارت مردمی یا همگانی است که آن را به مثابه یک سرمایه اجتماعی محسوب کرده‌اند. در اسلام نیز «امر به معروف و نهی از منکر» بر مؤمنان واجب شده است که جایگاه نظارت مردمی در زندگی اجتماعی مسلمانان را نشان می‌دهد. در نهایت باید به عقلانیت اشاره داشت که مفهوم آن مرتبط با مفهوم انسان‌مداری است در دیدگاه دینی، هدف حیات عبارت است از اشباع آرمان‌های زندگی با اصول حیات معقول؛ به طوری که «بینش مذهبی همه نگرش‌های علمی و نظری و فلسفی را که تکاپو در مسیر حیات معقول تکاملی هستند، معنایی معقول می‌بخشد و همه آنها را نوعی از عبادت می‌داند که در تعریف هدف اعلای حیات، تکاپو برای ابدیت نامیده شده است» (جعفری، ۱۳۸۱، ۱۹-۱۸).

### تخلیل شیوه‌ها و جلوه‌های حضور میاء در فضای شهری

در این بخش، دو مرحله دیگر در توضیح اصول پیشین افزوده می‌شود



شکل ۳. اصول تجلی حیات (منتج از تحلیل ویژگی‌های حیات در تعالیم اسلامی) و روابط آن

تفکیک مورد تحلیل قرار گرفت و در نهایت در قالب ۱۳ شیوه و ۳۲ جلوه، به ابعاد تجلی و تجسم فضایی- کالبدی حیاء پرداخته شده است. لازمست تاکید شود که مطالب ذیل هر گزاره، در تبیین شیوه‌ها و جلوه‌های تجلی حیاء، فارغ و منفک از اصول دیگر نبوده و در ارتباط تنگاتنگ با آنهاست و در موارد بسیاری، محتوای آن در کنار آنها تکمیل و تشریح می‌گردد. نکته بعد، توجه به این مورد اساسی است که ذیل اصول یاد شده مطالب بسیاری قابل تبیین و تطبیق در فضای شهری است که با توجه به موضوع انتخاب شده و تحدید آن، صرفاً مواردی مورد توجه و تشریح کامل قرار گرفت که مرتبط با موضوع اصلی و معطوف به مفهوم حیاست و نکته مهم پایانی آنست که اصولی مانند کرامت، حرمت و معنویت از چنان گستردگی کاملی برخوردار است که تکافوی تمام معیارهای و مطالب بعدی را می‌نماید. در این راستا ذکر اصول بعدی (نظارت و عقلانیت) و مطالب ذیل آن، در تاکید و برجسته نمودن برخی عناوین و مصادیق ذکر شده است که با توجه به زمینه روایی آن، لازم به تاکید دوباره آن بوده است.

آنچه از بررسی موارد بیان شده در قالب اصول، شیوه‌ها و جلوه‌های تجلی حیاء بدست می‌آید، توجه به وجوه مختلف بحث، از جمله حوزه رفتاری و فضایی آنست. تأکید و هدایت افراد به ساحت‌های درونی و معنوی حیاء در فضای شهری، نیازمند تمهیداتی است که برخی وجوه آن در قالب تدابیر کالبدی در فضای شهری قابل حصول است، اما ساحت و قلمرو حیاء در رابطه فرد با دیگران، نیازمند ملاحظات اجتماعی و رفتاری است. به عبارت دقیق‌تر، در کنار ایجاد و شاخص نمودن این‌مذهبی و بسط علائم و شعائر فرهنگی در جهت درک حضور ناظر متعالی، یکی از زمینه‌های تقویت رفتارهای معطوف به حیاء، حیاء از خلق است که نتیجه مستقیم آن، وجود اجتماعات مردمی و تعاملات اجتماعی است. در این راستا، توجه به حریم فعالیت‌های مختلف اجتماعی اعم از خانوادگی، جمعی، مناسبتی، صنفی و ... و جلوگیری از ایجاد فضاهای خلوت و بی‌دفاع، تمهیداتی برای پیشگیری از فضاهایی است که مایه بروز ناهنجاری‌ها و بی‌حیایی‌هاست. در این راستا، موارد نهایی تبیین شده در قالب گزاره‌ها، به سه دسته عمده قابل تقسیم است: الف) عمده موارد کالبدی بیان شده، تمهیداتی است که دارای نقش بازدارنده و پیشگیرانه در بروز ناهنجاری‌هاست و می‌تواند زمینه‌ساز بروز بی‌حیایی‌ها یا تقویت حیاء در رفتارهای اجتماعی باشد، مانند توجه به حریم کاربری‌ها و فعالیت‌های مختلف. ب) مواردی نیز بیان شده که علاوه بر نقش قبلی، خود نشانه و تشبیهی بر کالبد باحیاء و یا بی‌حیایی شهری است که در فضاهای شهری قابل تظاهر است، مانند تسلط ابعاد مادی و یا نمایش امور قبیح و غیراخلاقی در قالب عناصر شهری. ج) در برخی موارد بیان شده نیز علاوه بر توجه و تاکید

از: توجه به بعد معنوی و تامین نیازهای وابسته به آن در تناسب با دیگر نیازها؛ توجه به بُعد متذکر و آگاهی‌دهنده امور معنوی در هدایت و جهت‌دهی؛ توجه به شرایط و اقتضائات حضور امور معنوی و نقش و کارکرد مؤثر آن.

**نظارت:** موارد مهم قابل عنایت در راستای تقویت نظارت در محیط شهری و همچنین نحوه توجه دادن افراد به وجود ناظر یا ناظران عبارتند از: فراهم نمودن زمینه مراتب گوناگون نظارت مؤثر در بخش‌های مختلف شهر؛ تقویت درک و احساس حضور ناظر مؤثر در بخش‌های مختلف شهر.

**عقلانیت:** با توجه به وجه انسان‌مداری آن در تجلی حیاء، عمده موارد قابل ذکر عبارتند از: توجه به ابعاد و وجوه انسانی و عقلانی محیط در تامین نیازهای مختلف؛ ایجاد زمینه تقویت و گسترش عقلانیت و پرهیز از اغفال و جهالت.

## نتیجه‌گیری

مروری اجمالی بر کالبد و سازمان فضایی و سلسله مراتب موجود در بافت‌های تاریخی شهرها حکایت از آن دارد که بسیاری از دریافت‌های ادراکی و حسی که امروزه به کثرت در دسترس همگان هستند، بر مردمان آن شهرها مستور و پوشیده بودند. با توجه به نگاه سلسله مراتبی روایات به مفهوم حیاء و ملاحظه ابعاد جنسیتی، ایمانی و انسانی (عقلانی) در آن، می‌توان ادعان داشت که مهم‌ترین قاعده در طراحی و مناسب‌سازی فضای شهری با مفهوم حیاء، توجه به همین رویکرد توسعه یافته است؛ یعنی قاعده ابتدایی، تناسب و تطابق فضاهای شهری با احتیاجات افراد مختلف، در سنین و جنسیت‌های مختلف است که امروزه بخش عمده‌ای از مطالعات شهری به آن اختصاص یافته است. در مرتبه‌ای بالاتر، فضای شهری و محله، فضایی ایمانی است که عموماً منادی و مروج ارزش‌های اخلاقی است؛ به طوری که حضور در فضاهای شهری مختلف باید بستر زیست مؤمنانه را فراهم آورد و خصوصاً اماکن و ابنیه دینی، تظاهر لازم را داشته باشد. در مرتبه‌ای بالاتر، ساحت حیاء در شهر، ساحتی انسانی است که لازمه آن، توجه به ملاحظات انسانی و عقلانی است.

به‌طور کلی در مسیر ظهور ارزش‌های معنوی و اخلاقی در فضای شهری و تجلی کالبدی آن، مراحل قابل احصاء است که گام به گام تبیین و توضیح آن را ملموس‌تر و عینی‌تر می‌سازد. در این راستا، روش این پژوهش تحلیل محتوای احادیث متواتر و مشهور در رابطه با حیاء، در جهت دستیابی به مفاهیم پایه بوده که در مراحل تکمیلی، با تطبیق و تحلیل محیطی آن، اصول پنج‌گانه منتج از حیاء، شامل کرامت، حرمت، معنویت، نظارت و عقلانیت، بیان شده و هر کدام به

جدول ۹. شیوه‌ها و جلوه‌های حضور حیات در فضای شهری (متناظر با شاخص‌های احصاء شده)

اصول	شیوه‌ها	جلوه‌ها
کرامت	توجه هماهنگ و توأمان به نیازها و جنبه‌های مختلف زندگی انسان و نه صرفاً مادی	وجود کاربری‌ها و عملکردهای مختلف متناسب با نیازهای انسانی حضور ابنیه و عناصر شاخص مذهبی و آیینی در سطح محله ایجاد خوانایی و وضوح عناصر و ابنیه مختلف شهری با توجه به نسبت تأثیرگذاری
	توجه به ارجحیت انسان بر مصنوعات وی و عدم تسخیر و تحقیر توسط مصنوع	رعایت تناسب و مقیاس لازم در عناصر و ابنیه شهری با توجه به سطح کارکردی امکان دسترسی مناسب به اماکن و فضاهای مختلف و ضروری ایجاد سهولت تردد پیاده در محله مسکونی و محدودیت‌های سواره‌ها
حرمت	توجه به مراتب و هویت فرد و اجتماع و ایجاد زمینه‌های رشد و تعالی هریک	وجود فضاهای جمعی برای حضور و فعالیت گروه‌ها و سنین متفاوت امکان ایجاد تعاملات اجتماعی سالم و پویا در فضاهای عمومی
	توجه به قلمرو و ساحت نیازها و فعالیت‌های مختلف انسانی مختلف و هماهنگی بین آنها	رعایت حریم عملکردها، فعالیت‌ها و عناصر مختلف در شرایط زمانی و مکانی گوناگون تمایز حدود و حریم‌ها، به تناسب ارزش و عملکرد و تأثیرگذاری آن
معنویت	توجه به اهمیت حدود و حرائم گوناگون و مراتب آنها نسبت به یکدیگر	رعایت حرایم و قلمروهای متنوع و خاص در شرایط مختلف زمانی یا فعالیت‌های خاص ایجاد سلسله مراتب حریم‌های مختلف و ارتباطات فضایی و مکانی متوالی
	توجه به اقتضائات مجاورت حدود و حرائم، با رعایت اولویت‌ها و تأثیرات تبعی	توجه به کیفیت همجواری و همپوشانی حدود و حریم‌های متفاوت و ملاحظه اولویت‌ها رعایت حریم معنوی، روانی و کالبدی عملکردها و ابنیه خاص و ملاحظات تبعی آن تاکید بر حریم‌های ویژه انسانی (مانند خانواده) و تأمین نیازهای کالبدی آن
نظارت	توجه به بعد معنوی و تأمین نیازهای وابسته به آن در تناسب با دیگر نیازها	وجود عناصر، فعالیت‌ها و عملکردهای مذهبی در فضای محله مسکونی سلسله‌مراتب مناسب در دسترسی به اماکن دینی و مذهبی در فضای شهری
	توجه به بُعد متذکر و آگاهی‌دهنده امور معنوی در هدایت و جهت‌دهی	ایجاد زمینه تسلط و تشخیص عناصر، نمادها و نشانه‌های دینی در فضای شهری بهره‌گیری از عناصر و آثار حاوی پیام‌های معنوی و فرهنگی و تأثیرگذار
عقلانیت	توجه به شرایط و اقتضائات حضور امور معنوی و نقش و کارکرد مؤثر آن	توجه به همجواری مناسب ابنیه و عملکردهای مذهبی با فعالیت‌های دیگر توجه به خوانایی و تسهیل دسترسی مناسب به عناصر و ابنیه مذهبی تکمیل عملکرد معنوی به عنوان مرکز فعالیت‌های شهری در سطح محله
	فراهم نمودن زمینه مراتب گوناگون نظارت مؤثر در بخش‌های مختلف شهر	وجود المان‌ها، عناصر و ابنیه آگاهی‌دهنده به وجود نظارت‌های مختلف وجود فضاهای عمومی با تعاملات سازنده اجتماعی و ناظر بر فعالیت‌ها ایجاد زمینه کالبدی و اجتماعی در نظارت فردی و جمعی بر فضاهای عمومی
عقلانیت	تقویت درک و احساس حضور ناظر مؤثر در بخش‌های مختلف شهر	تاکید بر نحوه حضور ابنیه مذهبی و شاخص بودن آن در سطح شهر کاهش فضاهای خلوت و بی‌دفاع در سطح شهر با تمهیدات کالبدی و اجتماعی افزایش روابط اجتماعی در فضاها و فعالیت‌های شهری و کاهش زمینه‌های گمنامی
	توجه به ابعاد و وجوه انسانی و عقلانی محیط در تأمین نیازهای مختلف	توجه به تناسب محیط شهری با حدود توانایی‌ها و استعدادها انسانی رعایت مقیاس انسانی در فعالیت‌ها، ادراک و حضور در محیط شهری
	ایجاد زمینه تقویت و گسترش عقلانیت و پرهیز از اغفال و جهالت	پرهیز از جذابیت‌سازی کاذب، مادی و تک‌ساحتی (بصری، مقطعی و موضعی) توجه به تعادل و مجاورت قاعده‌مند کاربری‌ها، فعالیت‌ها و عملکردها در سطح محله



۱۲. العسکری، أبو هلال. (۱۳۷۰). معجم الفروق اللغوی. التنظیم بیت الله بیات ومؤسسة النشر الإسلامی. قم: مؤسسة النشر الإسلامی التابعة لجماعة المدرسين. (نشر اصلی ۱۴۱۲ ه.ق).

۱۳. الکلینی الرازی، ابی جعفر محمد بن یعقوب بن اسحاق. (۱۳۶۲). الاصول من الکافی. جلد اول. تهران: اسلامیه.

۱۴. بحرینی، حسین. (۱۳۷۷). فرآیند طراحی شهری. تهران: موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.

۱۵. پاکزاد، جهانشاه. (۱۳۸۰). فرهنگ کارشناسی و فرهنگ مردم. فصلنامه مدیریت شهری، (۸)، ۳۲-۴۱.

۱۶. پاکزاد، جهانشاه. (۱۳۸۶). مبانی نظری و فرآیند طراحی شهری. تهران: انتشارات شهیدی.

۱۷. پاینده، ابوالقاسم. (۱۳۸۲). نهج الفصاحه؛ مجموعه کلمات قصار حضرت رسول(ص). تهران: دنیای دانش.

۱۸. پورجعفر، محمد رضا؛ و پورجعفر، علی. (۱۳۹۳). فضاهای شهری نیمه عمومی سرپوشیده سنتی ایرانی - اسلامی در مقایسه با پاساژهای فرانسوی؛ نمونه‌های موردی: تیمچه‌های امین‌الدوله و بزرگ قم و پاساژهای پانوقاوا و جوققا. معماری و شهرسازی آرمانشهر، (۱۳)، ۱۶۹-۱۸۲.

۱۹. تیمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد. (۱۳۶۶). غررالحکم و دررالکلم. شرح جمال الدین محمد خوانساری. مقدمه و تصحیح و تعلیق میرجلال الدین حسینی ارموی. تهران: دانشگاه تهران.

۲۰. جرجانی، علی بن محمد. (۱۳۶۹). التعریفات. قاهره: دارالکتاب المصری. بیروت: دارالکتاب اللبنانی. (نشر اصلی ۱۴۱۱ ه.ق).

۲۱. جعفری، محمد تقی. (۱۳۸۱). زیبایی و هنر از دیدگاه اسلام. تهران: موسسه تدوین و نشر آثار علامه جعفری.

۲۲. جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۶۸). کرامت در قرآن. تهران: مرکز نشر فرهنگی رجاء.

۲۳. حرعاملی، محمد بن حسن. (۱۳۶۷). تفصیل وسائل الشیعه إلى تحصیل مسائل الشریع. قم: آل البيت لإحياء التراث. (نشر اصلی ۱۴۰۹ ه.ق).

۲۴. دهخدا، علی اکبر. (۱۳۳۸). لغتنامه دهخدا. زیر نظر دکتر محمد معین. تهران: دانشگاه تهران.

۲۵. راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۳۷۳). الدررعیة الی مکارم الشریع. قم: الشریف الرضی.

۲۶. راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۳۷۰). المفردات فی غریب القرآن. دمشق و بیروت: دارالعلم الدارالشامیة. (نشر اصلی ۱۴۱۲ ه.ق).

۲۷. روزنی، حسین. (۱۳۴۰). المصادر. جلد دوم. به کوشش تقی بینش. مشهد: کتابفروشی باستان.

۲۸. ساروخانی، باقر. (۱۳۷۵). روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

بر مميزات کالبدی، به تعاملات اجتماعی و ایجاد حریم و اقتضات کالبدی متناسب آن پرداخته شده است، مانند توجه به زمینه‌های کاهش گمنامی.

## پی‌نوشت‌ها

۱. در نهج البلاغه عبارت «فَتَجَلَّى لَهُمْ سُبْحَانَهُ فِي كِتَابِهِ» (شریف الرضی، ۱۳۷۹، ۱۴۲) استفاده شده است.

۲. به عنوان نمونه، به آراء ابن عربی اشاره می‌شود. جهت مطالعه مفهوم تجلی از دیدگاه ابن عربی رک: فهیمی و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۲۰-۱۰۱.

۳. بر مبنای برخی تحقیقات (نقره کار و همکاران، ۱۳۸۹)، قرآن کریم نظریه تأثیر محیط بر اخلاق را پذیرفته است.

## فهرست مراجع

۱. آذرنوش، آذرتاش. (۱۳۸۴). فرهنگ معاصر عربی - فارسی بر اساس فرهنگ عربی - انگلیسی هانسور. تهران: نشر نی.

۲. ابن‌احمد الفراهیدی، خلیل. (۱۳۶۷). کتاب العین. جلد سوم. تحقیق مهدی مخزومی و ابراهیم سامرائی. قم: موسسه دارالهجرة. (نشر اصلی ۱۴۰۹ ه.ق).

۳. ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۳۷۷). خصال شیخ صدوق. جلد دوم. (محمد باقر کمره‌ای، مترجم). تهران: کتابچی.

۴. ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۳۳۷). عیون أخبار الرضا. جلد دوم. تهران: نشر جهان. (نشر اصلی ۱۳۷۸ ه.ق).

۵. ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۳۴۴). علل الشرائع. جلد اول. نجف: المكتبة الحیدریة. (نشر اصلی ۱۳۸۵ ه.ق).

۶. ابن مسکویه، احمد بن محمد. (۱۳۸۳). تهذیب الأخلاق و تطهیر الأعراف. قم: طلیعة النور. (نشر اصلی ۱۴۲۶ ه.ق).

۷. ابن‌سینا، حسین بن عبدالله. (۱۳۷۰). قانون در طب. (عبدالرحمن شرفکندی، مترجم). تهران: انتشارات سروش.

۸. ابن عمر جعفی، مفضل. (۱۳۷۹). توحید مفضل. (محمدباقر مجلسی، مترجم). تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

۹. اخوان الصفاء (۱۳۶۳). رسائل اخوان الصفاء و خلان الوفاء. جلد چهارم. قم: مرکز النشر، مکتب الاعلام الاسلامی. (نشر اصلی ۱۴۰۵ ه.ق).

۱۰. اربلی، علی بن عیسی. (۱۳۴۰). کشف الغمّة فی معرفة الأئمّة. تبریز: بنی هاشمی. (نشر اصلی ۱۳۸۱ ه.ق).

۱۱. الجوهری، اسماعیل بن حماد. (۱۳۶۸). الصحاح: تاج اللغة و صحاح العربیة. جلد ششم. بیروت: دار العلم للملایین. (نشر اصلی ۱۴۱۰ ه.ق).



۲۹. شریف الرضی، محمد بن حسین. (۱۳۷۹). *نهج البلاغه* (محمد دشتی، مترجم). قم: مشهور.
۳۰. صباغ، محمدبن لطفی. (۱۳۷۶). *الحدیث النبوی: مطلقه، بلاغته، کتبه*. جلد اول، بیروت: مکتبه الاسلامی. (نشر اصلی ۱۴۱۸ ه.ق).
۳۱. طبرسی، حسن بن فضل. (۱۳۶۵). *مکارم الأخلاق*. جلد اول. (سید ابراهیم میرباقری، مترجم). تهران: فراهانی.
۳۲. طریحی، فخرالدین بن محمد. (۱۳۷۵). *مجمع البحرین*. جلد اول. تحقیق احمد الحسینی. تهران: مرتضوی.
۳۳. فارابی، ابونصر. (۱۳۷۶). *السیاسة المدتیة*. (حسن ملکشاهی، مترجم). تهران: سروش.
۳۴. فارابی، ابونصر. (۱۳۸۲). *فصول منتزعه فارابی*. (حسن ملکشاهی، مترجم). تهران: سروش.
۳۵. فلسفی، محمدتقی. (۱۳۶۸). *الحدیث (روایات ترتیبی)*. جلد اول. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۳۶. فهیمی، رضا؛ آقاسینی، حسین؛ و نصر اصفهانی، ممدرضا. (۱۳۹۱). بررسی مفهوم تجلی و انواع آن از دیدگاه ابن عربی. *دوفصلنامه ادبیات عرفانی (علوم انسانی الزهراء)*، ۳(۶)، ۱۰۱-۱۲۰.
۳۷. کلینی، محمد. (۱۳۷۵). *اصول کافی*. جلد چهارم. (محمدباقر کمره‌ای، مترجم). قم: انتشارات اسوه.
۳۸. مجلسی، محمدباقر. (۱۳۶۱). *بحارالانوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار*. بیروت: مؤسسه الوفاء. (نشر اصلی ۱۴۰۳ ه.ق).
۳۹. مصطفوی، حسن. (۱۳۶۰). *ترجمه و شرح مصباح الشریعة و مفتاح الحقیقة*. تهران: انجمن اسلامی حکمت و فلسفه ایران.
۴۰. مطهری، مرتضی. (۱۳۸۲). *ده گفتار*. تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
۴۱. مطهری، مرتضی. (۱۳۸۹). *مجموعه آثار*. جلد دوم. تهران: صدرا.
۴۲. مطهری، مرتضی. (۱۳۹۰). *فلسفه اخلاق*. تهران: صدرا.
۴۳. مظاهری، حسین. (۱۳۸۳). *کاوشی نو در اخلاق اسلامی*. جلد دوم. (محمود ابوالقاسمی، مترجم). تهران: ذکر.
۴۴. مفید، محمد بن محمد. (۱۳۷۱). *الامالی*. قم: کنگره شیخ مفید. (نشر اصلی ۱۴۱۳ ه.ق).
۴۵. مکارم شیرازی، ناصر؛ آشتیانی، ممدرضا؛ امامی، ممدجعفر؛ الهامی، داود؛ ایمانی، اسدالله؛ حسنی، عبدالرسول؛ شجاعی، سیدحسن؛ و طباطبایی، سید نورالله؛ عبداللهی، محمود؛ قرائتی، محسن؛ و محمدی اشتهاردی، محمد. (۱۳۸۴). *تفسیر نمونه*. جلد دوم. تهران: دارالکتب الاسلامیة.
۴۶. نصیر الدین طوسی، محمد بن محمد. (بی تا). *اخلاق ناصری*. تهران: علمیه اسلامیة.
۴۷. نقره‌کار، عبدالحمید؛ حمزه‌نژاد، مهدی؛ و دهقانی تفتی، محسن. (۱۳۸۹). بررسی تأثیر محیط بر رفتار و اخلاق از دید متفکران اسلامی و نتایج آن در طراحی محیط. *معماری و شهرسازی آرمانشهر*، (۵)، ۹۶-۷۹.
۴۸. نقی‌زاده، محمد. (۱۳۹۰). *شهر آرمانی اسلام یا فضای حیات طیبه: بایسته‌های تحقق شهر اسلامی بر مبنای نصوص دینی*. تهران: موسسه نشر شهر.
- Lynch, K. (1972). *The openness of open spaces*. In 49 T. Banerjee & M. Southworth (Eds.), *City sense and city design: Writings and projects of Kevin Lynch* (pp. 396-412). Cambridge, MA: MIT Press



## Explaining the Manifestations of Pudency in Urban Space

**Jaber Danesh**, Ph.D. Candidate of Urban Planning and Design, Faculty of Art and Architecture, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran.

**Mohammad Reza PourJafar\***, Professor, Faculty of Art and Architecture, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran.

**Mohammad Naghizadeh**, Assistant Professor, Faculty of Civil, Architecture and Art, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

### Abstract

One of the most important factors in the analysis of urban space is the attention to ethical norms of the society, which has become a part of religious culture in Iran. The path of analysis and explanation of urbanization from the perspective of Islamic principles is based on the principles and attributes that through the modes and concepts of the transcendental and through the tools and rules, takes on a special physical structure, so that ultimately the full effect of the city occurs in which the person at all times is aware of the transcendental and spiritual dimensions of life. This research, by relying on written sources and introducing an ethical approach in analyzing urban spaces and focusing on the concept of pudency, explains its features in the city's body and the modes of manifestation and embodiment of the aforementioned traits. The method of research is to analyze and characterize the characteristics of pudency in religious, exploratory and analytical teachings. By referring to well-known, and repeated narratives in Hadith sources, its content has been investigated. In the following, in an inductive and analytical approach, the mode of manifestation of pudency in urban spaces has been explained based on indicators excerpted from Hadiths, the ways and the effects of it. Generally speaking, in the path to the rise of spiritual and moral values in urban space and its physical manifestation, it is a legible process that explains and clarifies it more precisely and objectively step by step. In this regard, in this study, the content analysis of the consecrated Hadiths in relation to pudency in order to achieve the basic concepts has been considered. In the complementary stages, with its adaptation and environmental analysis, the five principles derived from pudency, including dignity, sanctity, spirituality, supervision and rationality, and each of them was analyzed separately, and finally, in the form of 13 methods and 32 manifestations, the dimensions of manifestation and spatial-physical imagination of pudency are discussed. But the emergence and objectivity of the final propositions expressed in urban space requires attention to spatial and behavioral aspects. More precisely, emphasizing and directing people to the inner and spiritual areas of pudency in urban space requires some arrangements that some of them can be achieved in the form of physical measures in urban space, but the nature and scope of pudency in relation to others, Requires social and behavioral considerations. In this regard, the final cases explained in the form of statements can be divided into three main categories: (a) The major cases of the stated physical form are arrangements that have a deterrent and preventive role in the occurrence of abnormalities and can be the basis The occurrence of a variety of social behaviors; (b) It has been stated that, in addition to the previous role, self-indications and physical analogy are related to veneration; (c) In some cases, in addition to emphasizing physical equipment, social interactions and Creating privacy and appropriate physical conditions are discussed.

**Keywords:** Pudency, Ethics, Manifestation, Urban space, Social behavior.

\* Corresponding Author Email: pourja\_m@modares.ac.ir